



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۰۶ دسمبر ۲۰۲۳

انارگل خوستی

لیلی زن بود یا مرد

این حکایت را همه ما شنیده ایم که قصه گوئی، قصه لیلی و مجنون را برای ساعت ها به دوستش قصه میکند، در اخیر قصه، شنونده قصه متذکره می پرسد که لیلی زن بود یا مرد؟ چند روز قبل با نشر عکس مردود ترین شخص در افغانستان، بنام نجیب مشهور به گاو در قسمتی که به نشر نظریات نویسندگان وبسایت آریانا افغانستان آنلاین اختصاص داده شده است، نشر گردیده بود.

از جانب نویسندگان وبسایت هیچ نوع اعتراضی صورت نگرفت و این خودش به هم قماشان این بی مسلکان، جرأت می دهد که به تبلیغات همیشگی خود ادامه بدهند و آب از آب تکان نخورد. اگر در زمان بروز این حزب ضد دیمکراتیک خلقی و پرچمی که تعداد شان انگشت شمار بودند، اما هر شب درس های شان را که در سلول های سفارت شوروی برای شان تدریس می شد خوب آموخته بودند و بعضی اوقات به رهنمایی باداران خود، شور و غوغا برپا می کردند، که متأسفانه از طرف اولیاء امور آن زمان جلو شان گرفته نشد و از طرف دیگر بقیه به اصطلاح روشنفکران جامعه آن زمان که حزبی گگ ها برای همه شان بیطرف ها مساوی به پیشرف ها خطاب می کردند، در مقابل این وطن فروشان خاموشی اختیار نمودند و نتیجه آن را در این مدت چهل و شش سال با گوشت و پوست خود همه نفوس افغانستان لمس نمود و چه جنایاتی را آن سرزمین متحمل نشد.

با نوشتن این مقدمه مختصر بار دیگر از نویسندگانی که قلب های شان برای آن مرز و بوم می تپد، خواهش می کنم که لطفاً بکوشید و دیگر نگذارید که این ها از وبسایت های مختلف، تخته مشق تبلیغات حزبی خود بسازند؛ زیرا دیده می شود که این اشخاص در این اواخر یک قدم پیشتر گذاشته اند و حالا همه روزه هم از طریق نظریات و هم در صفحه مقالات بدون وقفه از رفقای خائن و وطنفروش شان به انواع گوناگون یاد آوری می کنند و جنایات رهبران ددمنش شانرا به گونه های

مختلف و متفاوت و در لابلای جملات و نقل قول های "فیلسوفانه" و چرند های بس طویل، زیرکانه می پوشانند، به این امید که نوشته های طولانی و بی سر و پا را خوانندگان حوصله خواندن ندارند. در تمام مضامین این "جیره خواران امپریالیزم"، اوضاع افغانستان را حاصل جنگ های مقاومت مبارزین گلگون کفن دانسته و چنین تحلیل می کنند که اگر مقاومت صورت نمی گرفت وطن به طرف ترقی و تعالی روان بود. وجدان های اینها مرده است که ده ها و صدها "مرکز تحقیق"، زندانها، شکنجه گاه ها، پلیگونها و گورهای دسته جمعی را که تنها در کابل با چشم و سر می دیدند و شاهد بودند، تجزیه و تحلیل کرده و حتی برای یکبار هم در طول زندگی طفیلی وار خود، آن جنایات وحشتناک را محکوم نموده باشند و بعد از "ترق" و "تعالی" صحبت کنند.

هیچ وقت قبول نکردند که هر عکس العمل نتیجه یک عمل است. اعمالیکه حزب نادیمکراتیک خلقی و پرچمی بر مردم ما تحمیل نمودند، عکس العمل آن همانا نجات وطن از خرس شمال و نوکران خون آشام شان بود که برای بدست آوردن آن، قیمت بسیار گزاف پرداخته شد.

همین امروز مضمونی تحت عنوان "نشست امنیتی هرات در تاجکستان" توجه من را جلب نمود (اولاً از این جناب پرسان شود که نشست یعنی چه؟) این حامی نجیب گاو مضمونی دور به درازی نوشته است و یگانه هدفش از این مضمون فقط و فقط این است که به شهادت رسیدن سی هزار هموطنان ما در هرات توسط حزبی های خون آشام مانند نجیب گاو و همراهانش و بمباردمان بادران روسی شان صورت نگرفته است و حاصل تبلیغات "دشمن" بوده و حقیقت نداشته است و... و اینگونه برای رفقای حزبی خود برائت بدهد.

چرا این بقایای حزب نادیمکراتیک، یکمرتبه از جنایاتی که بعد از کودتای هفتم ثور و اشغال افغانستان صورت گرفت، حرف نمی زنند؟ چرا از جنایات چهارده سال حکمروایی و اشغال حرف زده نمی شود؟

اما هر روز مضامینی که گاهی به صورت مستقیم و گاهی هم در لفافه به تبلیغات حزبی خود می پردازند و و هیچ کس تا حال نخواست است و یا هم شهادت آنرا نداشته است که حد شان را برای شان نشان بدهد.

نویسندگان محترم، من می گویم که مضامین همه شما را مرور کنم، معلومدار من که چندان سواد ندارم از نوشته های که در مورد گرامر و طرز درست نویسی می باشد، می گویم چیزی بیاموزم و همه نوشته های آموزنده برایم دلچسپ است، اما تعدادی دیگر است که فقط وقت گرانبهای شان را

به گفت و گو های یا خصمانه و یا به تمجید نمودن یک دیگر می گذرانند که هیچ نوع منافع از آن حاصل نمی شود.

هم از نویسندگان محترم و هم از گردانندگان وبسایت ها تمنی می کنم که از تبلیغات حزبی ها جلوگیری کنند. خاموشی در مورد نشر چرند های اینها، خود به منزله تائید آن چرندیات است. اگر پنجاه سال قبل جلو شان گرفته می شد، همه ما و شما در وطن آبایی خود به بسیار خوشی و سربلندی زندگی می کردیم.

حالا نیز امید زیاد است که وطن را زمامداران فعلی افغانستان به سوی ترقی و تعالی، آبادی و امنیت سوق دهند، و نگذارند که بار دیگر وطن طعمه گرگان گردد. زیرا دیده می شود که چند نفر از زبردارگریختگی ها گاهی دست به دامن روسیه جنایتکار می اندازند و گاهی هم به در بادران دیگر شان، که ننگ شان باد. شرم هم چیزی خوبی است.

میگویند "جلو ضرر را هر زمان که بگیری، سود است"، پس بیائید جلو این میکروب های حزبی را همین حالا بگیریم تا مبادا فردا دیر باشد.